

شرکت نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست فوق العاده احزاب منطقه



ادامه در صفحه ۳

به ابتکار و میزبانی حزب کمونیست یونان، نشست فوق العاده احزاب کارگری و کمونیستی منطقه در آتن، پایتخت یونان، در تاریخ ۲۹ و ۳۰ مرداد ماه برگزار شد. در این نشست مسأله تجاوز خونین اسرائیل به خاک لبنان و وضع بحرانی منطقه از جمله سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم و خطر گسترش آن به سوریه و ایران و ضرورت اتخاذ ابتکار عمل و مواضع هماهنگ و موثر بر ضد آن مورد بحث و تبادل نظر احزاب کمونیست منطقه



شماره ۷۴۶، دوره هشتم
سال بیستم، ۹ شهریور ۱۳۸۵

نگاهی به پیش نویس
اصلاح قانون کار

اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران و تامین امنیت سرمایه، بخش مهم و جدایی ناپذیر برنامه رژیم ولایت فقیه در راستای تحقق فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. مرتجعان حاکم با پایمال کردن حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان زمینه های پیوستن به سازمان تجارت جهانی را فراهم می کنند!

بحث در باره اصلاحیه قانون کار با حرارت بسیار در میان کارگران و زحمتکشان و نیز در سطح جامعه جریان دارد. پس از انتشار پیش نویس اصلاح قانون کار، در تاریخ ۱۳ مردادماه سال جاری، محمد جهرمی، وزیرکار دولت ارتجاع، در جلسه ای با حضور تعدادی از نمایندگان مجلس در پشت درهای بسته شرکت کرد. این جلسه آنگونه که مطبوعات گزارش دادند، به منظور پاسخ به پرسش برخی نمایندگان مجلس در خصوص طرح پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار بود. جهرمی پس از این جلسه که به گفته یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس تنها بر سر راه های که می توان از طریق آن بهتر و دقیق تر قانون کار را اصلاح

ادامه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت

سالگرد فاجعه ملی

گرفته و در محاکم صحرائی چند دقیقه ای به اعدام محکوم شدند. بر اساس گزارش های گوناگون در ماه های مرداد و شهریور ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی از گروه های مختلف سیاسی توسط دژخیمان رژیم به قتل رسیدند و سپس برای پنهان کردن ابعاد این جنایت هولناک در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شدند.

فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در شرایط سیاسی یی رخ داد که سیاست ورشکسته و خانمان سوز «جنگ، جنگ تا پیروزی» رژیم فقها با شکست کامل و نوشیدن «جام زهر صلح» از سوی خمینی مواجه شده بود و سران رژیم هراسناک از عواقب این ورشکستگی بزرگ سیاسی و برای تثبیت موقعیت متزلزل خود به دلاوران اسیر خلق، مبارزان بی باک راه آزادی و عدالت هجوم برده

هم میهنان گرامی! با فرا رسیدن مرداد و شهریور ماه، هجده سال از فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی می گذرد. اگر چه در طول هجده سال گذشته اسناد مهم و افشاگری درباره این جنایت هولناک انتشار یافته است ولی هنوز همه ابعاد وسیع این کشتار و حتی اسامی همه قربانیان این انتقام گیری بزرگ سیاسی روشن نیست.

هجده سال پیش، به دستور مستقیم خمینی و با تأیید اکثریت سران رژیم از جمله خامنه ای، رفسنجانی و دیگران هزاران زندانی سیاسی، که قبلاً در بیداد گاه های دستگاه قضایی «نظام نمونه» جهان به جرم پایبندی به اصول انقلاب و دفاع از آزادی و عدالت و مخالفت با بیداد و استبداد قرون وسطایی محاکمه و به زندان های طویل المدت محکوم شده بودند، مجدداً در برابر یک هیأت سه نفره متشکل از جنایت کاران حرفه یی اعزام شده به زندان، به عنوان «قاضی»، قرار

ادامه در صفحات ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه نگاهی به پیش نویس

کرد، گفتگو شد و جهرمی صرفاً به ابهامات پاسخ می داد، به خبرنگاران از جمله یادآوری کرد که: «این اصلاحیه به ویژه برای نیروی کار جدید، زمینه های اشتغال را فراهم می کند، ما این پیش نویس را به استان های مختلف فرستادیم و در جلساتی که مدیران استانها با تشکل های واقعی (!!!) کارگران و کارفرمایان داشتند، نظرات مختلفی در خصوص آن مطرح شد که قطعاً در نهایی شدن پیش نویس منظور خواهد شد. البته این پیش نویس نهایی نیست و آن را به صورت کنونی به مجلس نخواهیم فرستاد سعی می کنیم مشکل قراردادهای موقت از طریق حل مشکل قانون کار رفع شود...»

او سپس به ایجاد یک سازمان جدید تحت عنوان اشتغال و کار آفرینی براساس اصلاحیه مذکور اشاره کرد و در این باره گفت: «در پیش نویس به دنبال آن بودیم که، تمرکز در کارها و اصلاحی در امور داشته باشیم..... ایجاد سازمان کار آفرینی در راستای رفع موانع تولید و سرو سامان دادن به امور است. فصل ششم قانون کار که مربوط به تشکیل تشکل های کارگری است، اصلاحات دقیقی صورت گرفته، این اصلاحات در جهت تشکیل تشکل های کارگری و کار فرمایی با درخواست کارگران و کارفرمایان است...»

بعد از اندک مدتی، وزیر کار در حاشیه دیدارش با برگزیدگان جامعه هنری بسیج سپاه پاسداران، در جمع خبرنگاران، با صراحت اعلام کرد بخشی زیادی از کارفرمایان و کارگران موافقت کلی خود را با پیش نویس اصلاحیه قانون کار اعلام کرده اند. خبرگزاری مهر در این خصوص گزارش داد: «جهرمی اصلاحیه قانون کار را در جهت تقویت شرکای اجتماعی از جمله تشکل های کارگری و کارفرمایی در کشور عنوان کرد و اظهار داشت، اصلاح قانون کار در جهت منافع کارگران قرارداد موقت صورت می گیرد.»

این سخنان سراسر دروغ و تبلیغات گسترده رژیم در باره اصلاحیه قانون کار و همسویی آن با امر تولید، صرفاً با هدف فریب و پنهان کردن نیات واقعی صورت می پذیرد. بر خلاف ادعای جهرمی این اصلاحیه وضعیت کارگران قرارداد موقت را وخیم تر می سازد. در این پیش نویس ضد کارگری، به قراردادهای موقت در مشاغل مستمر رسمیت داده می شود و این در حالیست که، یکی از مسایل مورد

درخواست زحمتکشان میهن ما در سال های اخیر ضمن مبارزه با قراردادهای موقت و طلب لغو کامل آن، استفاده غیر قانونی کارفرمایان از این نوع قرارداد در مشاغل دائم و مستمر بوده و هست! در پیش نویس مذکور به عقد قراردادهای ۳۰ روز به بالا در چارچوب های خاص اشاره می شود و همین امکان رواج گسترده قراردادهای کمتر از ۳۰ روز آنهم به شکل شفاهی نه کتبی را فراهم می سازد.

بطور کلی سه تغییر بنیادین در پیش نویس اصلاحیه قانون کار در مقایسه با قانون کار فعلی به چشم می خورد که هر سه مورد از مهمترین و اساسی ترین مسایل مربوط به حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان هستند. نخستین اصلاحیه سهولت اخراج کارگران و قانونیت بخشیدن به آن است. مطابق پیش نویس روزگار به تمام معنی برای کارگران و امنیت شغلی آنها سیاه خواهد شد. کارفرمایان از حقوق گسترده برای اخراج های فردی و گروهی برخوردار خواهند شد. این مورد در ارتباط مستقیم با خصوصی سازی و تغییر و واگذاری مالکیت کارخانه ها و واحدهای تولیدی و خدماتی قرار دارد و از زمره هدف هایی است که در برنامه اصلاحات ساختار اقتصادی مورد تقاضای صندوق بین المللی پول بر آن تاکید جدی شده است.

دومین مساله، محدود شدن باز هم بیشتر آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری است. سومین مساله همانطور که قبلاً اشاره کردیم، ایجاد یک سازمان نو بنیاد به نام اشتغال و کار آفرینی است که، در پیش نویس مسئولیت سازمان دهی، اداره آن بر عهده سازمان تامین اجتماعی گذاشته شده به این ترتیب این خطر وجود دارد که دستاورد تاریخی زحمتکشان ایران، یعنی سازمان تامین اجتماعی تغییر ماهیت داده و از این رو منافع کارگران که این سازمان متعلق به آنهاست پایمال می شود. جالب اینجاست، این پیش نویس از چنان ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری برخوردار است که فریاد و ایستگان برخی جناح های دیگر حکومتی را نیز در آورده است.

رییس سابق قانون عالی شوراهای اسلامی کار درباره این اوضاع به خبرگزاری ایلنا از جمله می گوید: «مفهوم پیش نویس اصلاحیه قانون کار خروج ایران از اقتصاد تولیدی و صنعتی است. اگر این پیش نویس به قانون تبدیل شود و اجرایی گردد، ساختار صنعتی اقتصاد کشور شکسته می شود و از تولیدی بودن به ورطه واسطه گری کشیده خواهیم شد. وزیر کار و معاونت روابط کار ایشان، نوکر دست به سینه طیف سرمایه داری سنتی هستند و این پیش نویس هدیه ای از طرف آنها به سرمایه داران سنتی برای سرکوب کامل کارگران و نابودی امنیت شغلی نیروی

کاراست، سردمدار این حرکت خطرناک و مودیان، شخصی به نام باهنر، نایب رییس مجلس است که می خواهد امنیت شغلی کارگران را به بازی بگیرد، با توجه به اظهار نظر وزارت کار و کارشناسان محترم این وزارتخانه پیرامون ماده ۴۱ قانون کار می توان این گونه گفت که به کارگران یک شکلات می دهند تا کارخانه شکلات سازی را بگیرند!!»

وی در ادامه این سخنان تاکید کرد: «به بهانه افزایش دستمزد کارگران قراردادی، قصد دارند، رسمی ها را نیز قراردادی نمایند و این یک هشدار جدی برای امنیت شغلی میلیون ها کارگر می باشد، حذف مواد ۱۳۱ تا ۱۳۷ از فصل ششم قانون کار در واقع حذف تشکیلات کارگری و جایگزینی آنان با تشکیلات دست ساز است، این امر بیشتر از آنکه به نفع کشور و نظام باشد به زیان است و قطع به یقین نظام از این بابت لطمه خواهد دید.»

به این ترتیب با چنین پیش نویسی و در صورت اجرا شدن آن پس از تصویب نهایی آنچه در راستای تامین امنیت سرمایه تحت عنوان نیروی کار ارزان و مطیع سال ها در برنامه رژیم ولایت فقیه قرار داشته، صورت تحقق گرفته و امر خصوصی سازی بدون مشکل «قانونی» با سرعت به پیش برده خواهد شد.

ارتجاع نخستین بار در اجرای برنامه خود در اوایل دهه شصت در ارتباط با قانون کار از کارگران شکست سختی خورد، اینک در فضایی دیگر، ارتجاع کینه خود را علیه کارگران، با تدوین پیش نویس اصلاحیه قانون کار، به نمایش گذارده است.

این طرح در اوضاعی تدوین و انتشار یافته است که از یک سو شاهد پیگرد و فشار بر روی جنبش کارگری هستیم و از دیگر سو پس از ابلاغ خامنه ای در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی گسترده، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما در دایره تنگ یورش همه جانبه رژیم ولایت فقیه بر ضد منافع و حقوق خود قرار گرفته اند.

اصلاحیه قانون کار، اقدامی هدفمند در راستای برنامه های رژیم به ویژه ارتجاع حاکم برای تحکیم و تثبیت موقعیت خود است. مبارزه سازمان یافته، آگاهانه و متحد یگانه پاسخ ممکن در اوضاع کنونی است. کارگران و زحمتکشان ایران هرگز در برابر ارتجاع تسلیم نشده نخواهند شد!

**آزادی برای همه
زندانیان سیاسی
ایران!**

ادامه شرکت نماینده کمیته مرکزی ...

قرار گرفت. افزون بر احزاب منطقه از لبنان، سوریه، اردن، فلسطین، اسرائیل، ترکیه، قبرس، سودان و بحرین نمایندگان رهبری حزب کمونیست پرتغال، روسیه، گرجستان، سفیر کوبا در یونان و شماری از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان و همچنین اعضای این حزب در پارلمان اروپا در جریان این اجلاس فوق العاده حضور داشتند. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله شرکت کنندگان و سخنرانان اصلی این نشست منطقه‌یی بود.

اجلاس با سخنان رفیق الکا پاپاریگا، دبیرکل حزب کمونیست یونان آغاز شد. رفیق پاپاریگا در سخنان خود ضمن اشاره به اهمیت برگزاری این نشست و اشاره به اهداف واقعی امپریالیسم از «مبارزه بر ضد تروریسم» از جمله گفت: «هدف ایجاد یک قبرستان ساکت است که در آن هر کس و یا هر چیزی که با نظم، سیاست ها و سرکوب خشن امپریالیسم مخالفت می کند، سرکوب شود. ما به شدت با چنین اهداف و سیاست هایی مخالفیم و با آن قاطعانه مبارزه خواهیم کرد. ما از ماه ژوئن که حمله وحشیانه اسرائیل به نوار غزه و کرانه غربی رود اردن شروع شد، ضمن محکوم کردن این تجاوز گفتیم که اسرائیل نمی تواند پشت ماسک «عملیات دفاعی» پنهان شود زیرا عماداً تمام تلاش خود را به کار گرفته است که امر مذاکره با نمایندگان فلسطین را تخریب کند. به رسمیت نشناختن دولت حماس که در انتخابات پیروز شد و محاصره اقتصادی و فشار از این طریق، از طرف اسرائیل و همچنین آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا، از جمله این سیاست ها هستند. در حالی که حمله اسرائیل به بهانه دستگیری یک سرباز اسرائیلی آغاز شد در اینجا لازم است یادآوری کنیم که دولت اسرائیل تاکنون هشت وزیر دولت جدید و شمار زیادی از نمایندگان پارلمان فلسطین و همچنین صدر آن را به گروگان گرفته است. این است عملکرد «دفاعی» دولت اسرائیل! روشن است که در سال های اخیر فلسطینی ها خواستار آزادی هزاران زندانی سیاسی بی بوده اند که به دست ارتش اسرائیل اسیر شده اند.» رفیق پاپاریگا در جای دیگری از سخنان خود همچنین اشاره کرد که: «حزب ما حمله ارتش اسرائیل را نقشه حساب شده برای تغییر سیمای منطقه خاورمیانه می داند. نقشه یی که زیر ماسک «دموکراتیزه کردن» منطقه عنوان می شود همان نقشه بوش، همان نقشه ناتو و اتحادیه اروپا است. آنها حتی خواهان سرنگونی دولت هایی هستند که ضرورتاً مخالف آنها نیستند و تنها خواهان حفظ استقلال خود هستند. آنها خواهان نیروهای سیاسی هستند که کاملاً گوش به فرمان باشند.» رفیق پاپاریگا همچنین نگرانی و مخالفت حزب کمونیست یونان را از بسط درگیری و کشنده شدن آن به ایران و سوریه اعلام کرد.

رفقا خالد حداد، دبیر کل حزب کمونیست لبنان، ایسام مخول، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، بسام احمد عمر صالح، دبیرکل حزب مردم فلسطین، و رفیق مونیر حمارنه، دبیرکل حزب کمونیست اردن نیز در جریان سخنرانی های مفصل و مشروح خود ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه ارتش اسرائیل این حملات را بخشی از نقشه های امپریالیسم برای تحقق نقشه «خاورمیانه بزرگ» دانستند.

رفیق خالد حداد، دبیرکل حزب کمونیست لبنان، در سخنرانی خود به اهمیت همبستگی بین المللی با مردم و مقاومت ملی لبنان اشاره کرد و از این تلاش های صمیمانه

تشکر کرد. رفیق ایسام مخول، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل نیز ضمن اشاره به شرایط دشوار مبارزه در درون اسرائیل و اشاره به این امر که حتی بخش هایی از جنبش صلح نیز در ابتدا فریب تبلیغات «دفاع از اسرائیل» را خوردند گفت که حمایت بین المللی نیروهای مترقی به ما کمک کرد که با وجود همه دشواری ها در مقابل این سیاست های جنگ طلبانه بایستیم. رفیق مخول همچنین اشاره کرد که دفتر روزنامه حزب کمونیست در شهر حيفا، با شصت سال آرشيو مطالب پر اهمیت هدف حملات موشکی حزب الله قرار گرفته است. به گفته رفیق مخول این حملات موشکی به هیچ وجه اتفاقی نبود. رفیق بسام احمد عمر صالح، دبیرکل حزب مردم فلسطین، نیز در سخنان خود ضمن اشاره به وضعیت دهشتناک مردم فلسطین در زیر اشغال ارتش اسرائیل از جمله گفت که ۲۹ نفر از ۱۳۲ نماینده مجلس و هشت وزیر دولت جدید فلسطین توسط اسرائیل به گروگان گرفته شده اند و دولت اسرائیل از پرداخت ۵۰۰ میلیون دلار مالیات که به نام دولت فلسطین اخذ کرده است طفره می رود.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در سخنرانی خود ضمن ابراز همبستگی با مردم لبنان و فلسطین حملات ارتش اسرائیل به خاک لبنان را به شدت محکوم کرد. نماینده کمیته مرکزی حزب ما در بخشی از سخنان خود گفت: «در چند هفته گذشته لبنان و فلسطین هدف حملات نظامی مخرب ماشین جنگی اسرائیل قرار گرفته اند، ایران و سوریه مورد تهدید مداخله نظامی قرار دارند و منطقه خاورمیانه در بحران جدی دست و پا می زند. با توجه به اسناد و گزارش هایی که در این مدت انتشار یافته است این امر روشن است که حمله اسرائیل به فلسطین و لبنان با هماهنگی کامل دولت آمریکا صورت گرفته و دستگیری سربازان اسرائیلی تنها بهانه یی برای شروع و اجرای این عملیات بوده است.» به گفته نماینده حزب «روشن است که در سال گذشته دولت آمریکا به دنبال راه کارهای ممکن برای آغاز مرحله جدید در تحقق برنامه «خاورمیانه بزرگ» بوده است. همان طوری که می دانید هدف این نقشه کنترل کامل سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه خاورمیانه توسط امپریالیسم آمریکا است.»

نماینده کمیته مرکزی حزب در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به دروغ بودن مدعیات امپریالیسم در زمینه گسترش دموکراسی در منطقه به این مسأله اشاره کرد که «مردم منطقه سابقه روشنی از «تلاش های قبلی» آمریکا برای تحقق دموکراسی دارند. به عنوان نمونه امروز مصادف با پنجاه و سومین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد است که سازمان سیا حکومت ملی دکتر مصدق در ایران را سرنگون کرده و برای بیش از ۲۵ سال یک حکومت پلیسی - دیکتاتوری را بر ایران حاکم کرد. نمونه های دیگر این «تلاش ها» را می توان در عراق در همان دوران، مصر، سودان و دیگر کشورهای منطقه نیز مشاهده کرد.»

نماینده کمیته مرکزی حزب ما با اشاره به اینکه سیاست های ماجراجویانه نیروهای ارتجاعی نیز می تواند مستقیم و غیر مستقیم به سیاست های امپریالیستی یاری رساند به وضعیت مبارزه ضد امپریالیستی در منطقه و ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست اشاره کرد و در عین حال تأکید کرد که: «به عنوان کمونیست ها و نیروهای دموکرات ما برای دموکراسی، حقوق بشر، آزادی و تحقق حقوق زنان و کارگران مبارزه می کنیم. برای ما مبارزه با امپریالیسم به معنای مبارزه با سرمایه انحصاری و نظامی گری و در عین حال تلاش در راه آزادی و عدالت اجتماعی. بین این مبارزه و آن نظر که مبارزه را «مقابله اسلام با کفر» می داند تفاوت های ماهوی اساسی و جدی وجود دارد. تلاش برای ارتقاء نقش و تأثیر نیروهای مترقی، دموکراتیک و چپ و سازمان دهی وسیع توده ها کلید اساسی در به شکست کشاندن برنامه های امپریالیسم در منطقه است...»

نماینده حزب ما در بخش نهایی سخنان خود به توضیح شرایط ایران و ماهیت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی دولت احمدی نژاد پرداخت و اشاره کرد که از هنگام برگزاری انتخابات پر تقلب ریاست جمهوری و تحمیل احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهوری کارزار سازمان یافته یی برای تشدید خفقان و



* سرکوب خشن پاسخ رژیم به خواسته‌های برحق کارگران

گسترش مبارزه کارگران رنج دیده و تحت ستم میهن ما در هفته‌های اخیر اوج تازه ای داشته است. روزی نیست که اخبار مبنی بر اعتصاب، تحصن و تظاهرات خیابانی کارگران به خاطر احقاق حقوق انسانی خود، منعکس نشود. حرکت های اعتراضی کارگران به ویژه از زمان اعلام اصلاح قانون کار از طرف دولت که در واقع نه اصلاح بلکه تهدید کارگران و تضییق حقوق آنان است، اوج تازه ای یافته است. خود این امر نشان از درجه آگاهی و رشد آمادگی برای تشدید مبارزه توسط کارگران میهن ما دارد. این مبارزات هرچند در حال حاضر پراکنده و خودجوش می باشد و منحصر به کارخانه ها و کارگاه های منفرد است. زیرا که کارگران علاوه بر سطره شدید استبداد و سیاست سرکوب خشن به دلایلی که بر همه روشن است از تشکل های مستقل خود که می تواند هدایت کننده پیکار کارگران باشد، محروم هستند. با این وجود نشانه های امیدبخش و همبستگی متقابل در بین صفوف کارگران به چشم می خورد. آخرین نمونه آن فریاد یکپارچه کارگران سراسر کشور و مقابله آنان با موضوع ترفند اخیر رژیم تحت عنوان لایحه اصلاح قانون کار فعلی می باشد. قبل از ورود به موضوع، در این جا به اختصار به سر تیتیر برخی از خبرهای کارگری در طی هفته اشاره می شود: کارگران کشتی سازی «اروندان» آبادان برای رسیدگی به حقوق خود، به مدت

۷۲ ساعت دست از کار کشیدند. کارگران این شرکت کشتی سازی با وجود این که اکنون شش ماه سال جاری می گذرد، هنوز حقوق و مزایای سال گذشته خود را دریافت نکرده اند. کارگران این واحد بعد از قول مساعد از طرف مدیریت مبنی بر پرداخت سریع مطالبات به سرکار بازگشتند. ولی به گزارش ایلنا قول مدیریت در جهت تامین خواسته‌ای کارگران هنوز عملی نشده است. مورد دیگر تظاهرات کارگر اخراج شده کفش «گنجه» در گیلان است. ده ها تن از کارگران در ادامه پیکار خود برای بازگشت به کار، برای چندمین بار در مقابل کارخانه کفش «گنجه» گیلان اجتماع کرده و با به آتش کشیدن لاستیک خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. این درحالی است که مدیریت این شرکت با سرپیچی از حکم صادر شده مبتنی بر بازگرداندن کارگران اخراجی، از ورود کارگران بر سر کار خود، ممانعت می کند. خبر دیگر حکایت از جمع آوری طومار اعتراضی از جانب کارگران دارد. هزاران تن از کارگران شهری با ارسال طوماری به دفتر رئیس جمهوری، مخالفت خود را با اصلاح قانون کار اعلام کردند. در بخشی از این نامه قید شده است: «ما کارگران واحدهای شهری مخالفت خود را با هر نوع تغییری در مفاد قانون کار که موجب نا امنی شغلی و تضعیف صنعت کشور می شود، اعلام می کنیم.» خبر دیگر که منجر به سرکوب شدید کارگران توسط نیروهای نظامی رژیم شد، در شهر سنندج به وقوع پیوست. اکنون بیش از یک هفته است که کارگران کارخانه ریسندگی «پرریس» سنندج در اعتراض به وضعیت کار و نبود امنیت شغلی در مقابل درب کارخانه دست به اعتصاب زده اند. در طی این مدت هیچ یک از مسئولان پاسخگویی کارگران و خواسته‌های آنان نبودند. در مقابل روز شنبه، چهارم شهریور نیروی انتظامی با هجوم به کارگران با اعتراض کنندگان درگیر شد. این حمله برای متفرق کردن کارگران و بدون هشدار قبلی صورت گرفت. در این حمله نیروهای سرکوب گر با باتوم و گاز اشک آور به جمع کارگران هجوم برده و آنان و خانواده هایشان را که برای حمایت از کارگران در محل حضور داشتند، مورد ضرب و شتم قرار دادند. در این حمله بر اساس گزارش خیرگزاری ها تعدادی از کارگران اعتصابی معروح شدند. اما خواست کارگران اعتصابی که با سرکوب نیروهای نظامی رژیم روبرو شد، چه بود؟ یکی از نمایندگان کارگران این کارخانه می گوید که از اسفند ماه سال ۸۴ زمانی که مصوبه افزایش دستمزد کارگران اعلام شد، کارفرمای کارخانه به بهانه ناتوانی در افزایش دستمزد، اقدام به اخراج ۱۵ تا ۲۰ تن از کارگران کرد تا دستمزد مابقی کارگران را افزایش دهد در این میان کارگران در ۴ شیفت کاری فعالیت می کردند تا اخراج نشوند. این موضوع تا پایان خرداد ماه سال ۸۵ ادامه داشت ولی از آن به بعد کارفرما اقدام به بستن قراردادهای موقت کرده و قراردادهای آن را از یک سال به ۶، ۳ و یک ماهه تقلیل داد. که با اعتراض کارگران روبرو شد. هیچ مسئولی هم در این خصوص پاسخگو نیست و همه حق را به کارفرمای کارخانه می دهند. واقعیت این است که وضعیت شغلی کارگران کارخانه های نساجی و دیگر واحدهای صنعتی میهن ما مطلوب نیست و خطر بیکاری، اشتغال هزاران کارگر را تهدید می کند. این امر نتیجه مستقیم روند خصوصی سازی است، که دولت آن را به شدت ادامه می دهد. در این میان بی توجهی به حقوق کارگران و زحمت کشان از جانب مسئولین و مقامات دولتی و حمایت آنان از کارفرمایان جلب توجه می کند. آن هم برای دولتی که با وعده های فریبنده دفاع از محرومین و مظلومین به صحنه آمده است. نمونه های ذکر شده در بالا و برخورد نظامی با کارگران ستم کشیده در نقاط مختلف کشور خود به اندازه کافی گویای این واقعیت است که از دولت ارتجاعی و سرکوبگر انتظار هیچ گونه پاسخگویی را نباید داشت. بدون تردید کارگران میهن ما در سایه مبارزه خود و بالا بردن درجه همبستگی همراه با سایر محرومان و زحمت کشان، پاسخ قاطعی به این نوع برخوردها خواهد داد.

* هشدار: خطر مرگ جان زندانیان سیاسی را تهدید می کند

متعاقب مرگ مشکوک دانشجوی مبارز اکبر محمدی در زندان اوین و اعتراضاتی که از جانب احزاب و سازمان های آزادی خواه و مدافع حقوق بشر صورت گرفت، در هفته جاری اخباری منتشر شد که حکایت از وضعیت نگران کننده سایر زندانیان سیاسی دارد. در برخی از گزارش ها

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

به موضوع خطری که جان دیگر زندانیانی سیاسی را تهدید می کند، اشاره شده است. برای نمونه ادواریوز بیانیه ای را چاپ کرد که در واقع یک طومار اعتراضی است که بیش از چهارصد نفر از فعالان سیاسی، فرهنگی و دانشجویی کشور آن را امضاء کرده اند. بیانیه ضمن محکوم کردن مرگ تاسف بار اکبر محمدی در زندان اوین، مرگ مشکوک وی را متوجه مسولان عالیترتبه اجرایی و قضایی و به ویژه مسولان امنیتی در زندان می داند. این متن اعتراضی در ارتباط با نحوی مرگ و همچنین تلاش های مقامات رژیم برای سرپوش گذاشتن بر پرونده مرگ این دانشجو و مخومه اعلام کردن آن، دارای نکات افشاگری است که قابل توجه است: زنده یاد اکبر محمدی زندانی عقیدتی و سیاسی که از تیرماه ۱۳۷۸ در پی اعتراض به شیخون به خوابگاه دانشجویی و ضرب و شتم و کشتار دانشجویان، مدت ۷ سال به اتهام های واهی و ساختگی مانند اخلاص علیه امنیت کشور و اهانت به مقدسات و مصاحبه با رسانه ها و با تبدیل حکم اعدام به ۱۵ سال حبس بی وقفه در زندان بسر می برد، سرانجام پس از ۹ روز اعتصاب غذا در اعتراض به محروم ماندن از داروهای که به تشخیص پزشک برای سلامت او ضرورت مبرم داشتند، و به دنبال بی اعتنایی و برخورد های تند و غیرمسولانه ماموران زندان در زندان اوین به طرز مشکوکی جان باخت. این جوان دانشجوی آزادی خواه در حالی اینچنین تاسف بار و غریبانه از میان رفت که از دید نمایندگان مجلس، که برای بازدید به زندان رفته بودند، با دست و دهان بسته پنهان نگه داشته شده بود. جنازه این جوان دانشجوی مبارز، بی هیچ مجوزی از سوی خانواده، مخفیانه در نقطه دور افتاده ای در ۲۲۰ کیلومتری شمال شرق تهران و در ۵۰ کیلومتری شهر محل سکونت ایشان (آمل) به ادعای مسولان امنیتی، به خاک سپرده شد تا راز مرگ مشکوک وی مخفی بماند، ماموران امنیتی هراسان از تبعات دامنگیر این حادثه، حتی به دفن مخفیانه اکبر محمدی اکتفا نکردند و با توقیف و بازداشت ۴۰ تن از دانشجویان و نیروهای سیاسی که برای شرکت در مراسم محمدی عازم آمل بودند از حضور آنان بر سر مزار اکبر محمدی جلوگیری کردند و با فشار و تهدید و به بهانه برگزاری مراسم اعتکاف مراسم ترحیم وی در مسجدی در تهران را لغو کردند تا شاید نام اکبر محمدی و مرگ مظلومانه او را از دید همگان پوشیده نگاه دارند که البته این قتل نیز چون دیگر قتل های از این دست، از دید وجدان بیدار آزادیخواهان مخفی نماند و در سینه تاریخ ثبت شد. این بیانیه در ادامه افشاگری های خود با توجه به مخاطراتی که جان دیگر زندانیان سیاسی را تهدید می کند، به مردم ایران هشدار می دهد و از همه احزاب آزادی خواه و نهادهای مدافع حقوق بشر می خواهد که مانع فاجعه دیگری شوند. در این طومار اعتراضی با توجه به سابقه طولانی رژیم در زمینه جنایت در زندان ها، به درستی می خوانیم: اکبر محمدی نه اولین و نه آخرین قربانی آزادی خواهی و حق طلبی، آن هم در درون حصارهای زندان در این سرزمین بوده و خواهد بود. بلکه پیش از آن سابقه سر به نیست کردن زندانیان سیاسی و عقیدتی و تعقیب و شکنجه و کشتار آزادی خواهان را از سوی ماموران خفقان شاهد بوده ایم. زین پس نیز تا زمانی که اراده کامل مردم ایران سرنوشت و حاکمیت ما نسازد ما کماکان با خطر حذف هم میهنان آزاده و مبارز و حتی منتقد و معترض خود روبرو خواهیم بود. حزب توده ایران نیز هم صدا با دیگر سازمان ها و احزاب مترقی و انسان دوست، جنایات سران و مقامات مسئول رژیم حاکم را در زندان ها به شدت محکوم کرده و خواهان آزادی هر چه سریع تر همه زندانیان سیاسی است.

* آیت الله خزعلی: در اسلام مردم کارهای نیستند

می شود که خود به اندازه کافی نشان دهنده ماهیت کاملاً عقب مانده و ارتجاعی رژیم حاکم است. و در واقع هم این موارد خود چنان افشاگر هستند که نمی توان چیزی بدان افزود. آخرین نمونه این امر سخنان قصار یکی از مبلغین ذوب در ولایت به نام خزعلی است. وی به روشنی این موضوع را که مردم و رای آنان در رژیم اسلامی حاکم هیچ گونه نقش و کارکردی ندارد، بیان کرده و از آن دفاع می کند. نتیجه این که مردم میهن ما هیچ نوع صلاحیتی برای حاکم شدن بر سرنوشت خویش ندارند. همه می دانند که آیت الله خزعلی یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری است که در آینده نزدیک مردم شاهد برگزاری انتخابات یا در واقع انتصابات آن خواهند بود. وی در روز سه شنبه در گفت و گویی با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) چنین می گوید: «در اسلام مردم به حکومت مشروعیت نمی دهند بلکه تنها در اجرا به حاکم کمک می کنند». این چیزی نیست جز این که مردم فقط سیاهی لشکر هستند و هر چهار سال یک بار مانند ماشین رای از آن ها باید برای «مشروعیت» دادن به رژیم سوءاستفاده کرده و با تبلیغات و تهدیدات آنان را به پای صندوق های رای کشانند. آیت الله خزعلی به این هم اکتفا نکرده و ادامه می دهد: «بر این اساس هر حکومتی که بی اذن خدا باشد حتی اگر در اعلاء درجه سیاسی قرار بگیرد ساقط است. زیرا بنای دین بر این است که تمام کارها اعم از امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و حکومت باید اول با اذن خدا همراه باشد». این که مردم ما در طی ۲۷ سال گذشته با گوشت و پوست خود و آن هم به قیمت گزاف حکومت دینی و ولایی را لمس کرده اند بر کسی پوشیده نیست. زیرا نگاهی به آمار و ارقام ارایه شده توسط خود حکومت در تمام زمینه های «اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی» که آیت الله خزعلی اشاره می کند، چیزی جز فاجعه برای مردم میهن ما نداشته است. و دلیل آن هم به اعتقاد ما همان است که خزعلی بدان باور دارد. یعنی عدم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود. یا به زبان پیروان ولایت فقیه «مردم کاره ای نیستند». سخنانی که آیت الله خزعلی در این مصاحبه بیان می کند، با این ذرها خاتمه نمی یابد، زیرا وی سنگ تمام می گذارد با صراحت می گوید: «از نظر انبیاء حاکم فقط خداست و غیر از مسائل تقرب و تعبد حکومتداری تنها از آن اوست و چنانچه او اجازه دهد این حکومت به پیامبر یا هر شخص دیگری که شایسته بدانند منتقل می شود و آنها نیز از حق حکومت کردن بهره مند می شوند.» در این رابطه مردم نیز قطعاً از خود می پرسند که حتماً «آن شخص دیگر» فعلاً در حکومت خامنه ای رهبر رژیم و در دولت اسلامی احمدی نژاد با وعده های سرخرمن است؟

گاهی اوقات نکته ها و مواضعی از زبان رهبران و مسئولین رژیم ولایت فقیه جاری

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

و آنان را به قصد گسترش ارباب وسیع در جامعه کشتار کردند. حزب توده ایران در جریان این فاجعه ملی شماری از برجسته ترین رهبران و کادرها، اندیشمندان، نویسندگان، مورخان، مترجمان سرشناس، فعالان جنبش سندیکایی، جنبش دانشجویی و زنان و افسران برجسته ارتش را از دست داد. در میان اعدام شدگان قهرمانانی بودند که بیش از ۲۵ سال عمر خود را در زندان های شاه سپری کرده بودند و اسطوره های مقاومت و پایداری خلق در مقابل رژیم ستم شاهی بودند.

واقعیت این است که فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، در تابستان سال ۱۳۶۷، سرمایه معنوی بزرگی را که حاصل کار و پیکار پنجاه ساله جنبش آزادی خواهانه میهن ما بود قربانی منافع ارتجاع قرون وسطایی و حفاظت از رژیم استبدادی و از نظر معنوی ورشکسته ولایت فقیه کرد.

هم میهنان عزیز!

امسال سالگرد فاجعه ملی در حالی برگزار می شود که تنی چند از جنایت کاران و دست اندرکاران مستقیم کشتار فرزندان خلق، پاداش جنایات خود را با گرفتن وزارت خانه های کلیدی دولت احمدی نژاد دریافت کرده اند. حضور دژخیمانی همچون مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور، و غلامحسین محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات، نشانگر ماهیت عمیقاً ضد مردمی و ضد انسانی رژیمی است که ادامه حیاتش با ادامه سرکوب خشن و خونین خواست های برحق جنبش مردمی میهن ما برای استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی گره خورده است.

هجده سال پس از فاجعه ملی مبارزه برای روشن شدن همه ابعاد این جنایت هولناک و سپردن دست اندرکاران سازمان دهی این کشتار سیاسی به دست عدالت همچنان ادامه دارد. این امر مهم وظیفه ملی و میهنی همه کسانی است که خود را مدافع آزادی و حقوق بشر می دانند. تلاش ارتجاع در تمامی این سالها به فراموشی کشاندن خاطره این جنایت و پوشاندن اثرات آن بوده است. از تخریب گورهای بی نشان دلاوران خلق، در گلستان خاوران، تا آزار و اذیت خانواده های گرانقدر شهدای راه آزادی، همه تلاش های رژیم با پایداری خانواده های شهدا و حمایت نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران و جهان با شکست رو به رو شده است. برگزاری با شکوه خاطره تابناک این دلاوران به خون خفته خلق تنها یاد کردن از مبارزات اسطوره ای آنها نیست تجدید عهد با آرمان های والای آزادی و عدالت، جلب توجه جهانی به ماهیت جنایتکار رژیم ولایت فقیه و تأکید بر این نکته اساسی است که خلق تا دادخواهی نهایی این جنایت و به کرسی نشاندن عدالت در مورد همه مسئولان آن به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

درد آتشین به خاطره تابناک و جاودان شهدای فاجعه ملی و همه شهدای راه آزادی و عدالت خلق!

با هم به سوی طرد رژیم استبدادی و ضد مردمی ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸ شهریور ماه ۱۳۸۵

ادامه نشست سران بازار مشترک ...

زندگی، و در یک کلام تسلط شرکت های فرا ملی بر کلیه شئون زندگی در این کشورها، پیامدهای فاجعه باری داشته است که نیروهای اجتماعی وسیعی را برای دوری جستن از این سیاست ها و در پیش گرفتن سیاست های دموکراتیک و مبتنی بر رشد اقتصاد ملی به میدان آورده است. در شرایط کنونی در بسیاری از این کشورها این نیروها توانسته اند نیروهای مدافع سیاست های خاتمان برانداز نولیبرالی را از قدرت حاکمه بیرون رانند و با در اختیار گرفتن قدرت دولتی سیاست های نوین خود را به اجرا گذارند.

در پیش گرفتن سیاست های اقتصادی نوین و دموکراتیک از طرف این کشورها برابر است با به چالش گرفته شدن آنها از طرف دولت آمریکا که به رهبری جورج بوش سعی در تحمیل سیاست های نولیبرالی در چهارچوب توافقنامه تجارت آزاد قاره آمریکا FTAA دارد و سعی می کند با تحمیل این توافقنامه تسلط هر چه بیشتر شرکت های بزرگ سرمایه داری را بر این قاره برقرار سازد. نشست سران این کشورهای عضو توافقنامه تجارت آزاد قاره آمریکا در سال گذشته در ماردل پلاتا با شکست قطعی روبرو شد. بسیاری از رهبران کشورهای آمریکای جنوبی امروز از بی بازگشت بودن این شکست می گویند و مصمم اند که نقطه پایان بر تلاش هایی بگذارند که برای احیای این قرارداد صورت می گیرد.

در چنین شرایطی است که اهمیت پیمان بازار مشترک جنوب آشکار می شود. کشورهای آمریکای جنوبی با ایجاد این بازار مشترک می توانند با اشتراک منابع اقتصادی خود و هماهنگ ساختن سیاست های اقتصادی شان، که کاملاً طبیعی است که دامنه آن به حیطه سیاسی هم کشیده می شود، با قدرت بیشتری به عملی کردن طرح های سیاسی خود همت گمارند. بدون شک این پیمان در مسیر اجرای سیاست های ملی و دموکراتیک خود با مخالفت و توطئه های کشورهای امپریالیستی و به خصوص امپریالیسم آمریکا روبرو خواهد شد. با اتحاد و هماهنگی در چارچوب پیمان بازار مشترک جنوب امکان و توانایی مقابله با این توطئه ها دوچندان خواهد شد. در جریان این نشست و به موازات آن، نشست دیگری موسوم به نشست مردم در شهر کوردوبا در جریان بود. در این نشست که نمایندگان از طرف تشکیلات کارگری و دموکراتیک، فعالان حفاظت از محیط زیست، و نیروهای چپ در آن شرکت داشتند، معضلات حاد جوامع آمریکای جنوبی و مسائل عمده زندگی مردم مثل بیکاری، محیط زیست، کشاورزی و دموکراسی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. نتایج این بحث ها در پایان به صورت طرح هایی به نشست سران ارائه شد.

در مدت برگزاری نشست مردم، تظاهرات و راهپیمایی های گسترده ای نیز از طرف مردم صورت گرفت که از طرف سران کشورها مورد استقبال قرار گرفت و فیدل کاسترو، هوگو چاوز و اوو مورالس در آنها سخنرانی کردند.

زنان و مبارزه در راه صلح و محیط زیست

ماتایی زنی مبارز از کنیا

پس از دریافت جایزه صلح نوبل گفت: «حفظ محیط زیست جهانی با برقراری و حفظ صلح ارتباط مستقیم دارد. وانگاری می گوید بسیاری از مسائلی که ما امروزه در سطح ملی با آن دست به گریبان هستیم، در واقع دال بر وجود مشکلات بزرگتری اند، و به جای نگرانی برای آنها باید نگران دلایل وجود آن عوارض باشیم. در سال ۲۰۰۶ ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، نشان لژیون دونور، بالاترین نشان افتخار فرانسه، را به وانگاری ماتایی اهدا کرد. خانم ماتایی یکی از ۸ نفری بود که در برنامه افتتاحیه المپیک زمستانی ۲۰۰۶ پرچم المپیک را به میدان آورد. کمیته نروژی نوبل در اطلاعیه ای که ماتایی را برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۴ معرفی کرد گفت: «ماتایی شجاعانه در برابر رژیم ستمگر سابق کنیا ایستاد. روش یگانه وی در این راه، توانست توجه افکار عمومی داخل و خارج - بین المللی - را متوجه خفقان سیاسی کند. او الهام بخش بسیاری در راه مبارزه برای حقوق دموکراتیک، و به ویژه زنان، برای بهبود شرایط خود شد.»

ادامه شرکت نماینده کمیته مرکزی حزب ...

سرکوب نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور خصوصاً جنبش کارگری، دانشجویی و زنان آغاز و دنبال می شود. نماینده حزب ما در این بخش ضمن اشاره به «بحران هسته ای» و تأکید بر این نکته که این مسأله تنها بهانه ای برای پیش بردن سیاست های استراتژیکی دیگری در منطقه است همچنین اشاره کرد که «حزب توده ایران معتقد است که بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته ای حق هر کشوری در جهان است... حزب ما همچنین با قاطعیت اعلام کرده و تأکید می کند که مخالف هرگونه مداخله خارجی در امور ایران است. سرنوشت ایران تنها به دست ایرانیان و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور رقم خواهد خورد.»

نشست فوق العاده احزاب کارگری و کمونیستی منطقه سپس به بحث و بررسی سیاست های مشترک برای مقابله با برنامه های امپریالیسم در منطقه پرداخت و اعلامیه مشترکی را برای انتشار در مطبوعات به تصویب رساند. احزاب برادر منطقه در این اعلامیه از جمله خواستار:

«- آتش بس فوری و خروج نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان از جمله مزرعه شباع و آزادی زندانیان لبنانی
- برچیدن کامل شهرک های یهودی نشین اسرائیلی و خروج ارتش اسرائیل از سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۶۷
- استقرار یک دولت فلسطینی (در نوار غزه و کرانه غربی) با پایتختی در اورشلیم شرقی، در مجاورت اسرائیل
آزادی فوری زندانیان سیاسی
- بازگشت همه پناهندگان فلسطینی به سرزمین خود بر مبنای قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر قطعنامه های این سازمان» شدند.

اجلاس فوق العاده منطقه همچنین فرصت مناسبی برای دیدارهای هیأت های نمایندگی احزاب با یک دیگر بود. این نشست همچنین قطعنامه همبستگی بی با مردم کوبا و محکوم کردن توطئه های امپریالیسم بر ضد این کشور را به تصویب رساند. نشست مزبور باز تاب وسیعی در رسانه های گروهی کشورهای منطقه داشت.

وانگاری ماتایی برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۴ پایه گذار جنبش کمر بند سبز در کنیا، بدون شک اولین زنی است که در آفریقای مرکزی و شرقی موفق به دریافت دکترای شد. او در سال ۱۹۷۷ به منظور جلوگیری از نابودی جنگل ها و همچنین ایجاد شغل برای مردم بومی کنیا کارزار درخت کاری را آغاز کرد. بدین ترتیب جنبش کمر بند سبز به سرعت رشد کرد و امروزه به نیروی مهم سیاسی و طرفدار محیط زیست در دنیا مبدل شده است. وی که زمانی از طرف دولت فاسد گذشته «ناراضی» قلمداد می شد، امروز در مقام معاون وزیر محیط زیست و منابع طبیعی فعالیت می کند. تا بحال به کوشش این جنبش بیش از ۱۰ میلیون درخت به منظور جلوگیری از فرسایش خاک و تامین سوخت مورد نیاز خانگی کاشته شده است. برنامه درختکاری عمدتاً از طرف زنان دهات کنیا به پیش برده می شود. بعضی از کشورهای آفریقائی از جمله تانزانیا، اوگاندا، مالاوی، لسوتو، اتیوپی، زیمبابوی و غیره، به پیروی از کنیا قدم های مشابهی را برداشته و موفقیت هائی نیز داشته اند. اما، طبق گزارش سال ۱۹۸۹ سازمان ملل، هنوز به ازای هر ۱۰۰ درختی که در آفریقا قطع می شود تنها ۹ درخت کاشته می شود. با توجه به این گزارش می توان به عمق فاجعه و تلاش خستگی ناپذیر زنان در آفریقا پی برد. خانم ماتایی در نامه ای در صفحه اینترنت جنبش کمر بند سبز می نویسد: «کاشتن درخت، کاشتن امید است. با یک حرکت ساده کندن زمین و کاشتن درختی در آن، ما برای خود و نسل های آینده امید می کاریم. جنبش، با بسیج مردم، حل مشکلاتی مانند آموزش و پرورش، آب آشامیدنی، برابری و بهداشت را که بر زندگی انسان های بی شماری، به ویژه زنان و خانواده های آنان، تاثیر مستقیم دارد، هدف خود قرار می دهد. مردم برای دفاع از حقوق خود و جامعه پیا می خیزند، قدرت می گیرند، و این قدرت راهنمای آنها در تعیین تقدم تصمیم گیری برای محیط زیست، حاکمیت خوب و فرهنگ صلح می شود. ما چالش عظیمی در پیش رو داریم: آفریقا با نابودی جنگل و فقر روزافزون و بی وقفه روبرو است. اما می دانیم که کارهای بسیار مثبتی از طرف دولت و جامعه مدنی در جریان است. . . .»
وانگاری در سال ۱۹۴۰ در نایروبی، کنیا، در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۶۴ موفق به دریافت لیسانس در رشته طبیعی (بیولوژی) از کالج مونت سنت اسکولاستیک در کانزاس، و سپس در سال ۱۹۶۶ موفق به کسب فوق لیسانس از دانشگاه پیتزبورگ شد و با ادامه تحصیل در دانشگاه های آلمان و کنیا در سال ۱۹۷۱ موفق به دریافت دکترای از دانشگاه نایروبی شد. وانگاری در همان جا به تدریس آناتومی جانوری پرداخت. وی در سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ رئیس بخش آناتومی جانوری و دستیار پروفیسور شد. ماتایی در گذشته رئیس شورای ملی زنان کنیا نیز بوده است. در سال ۱۹۸۰ شوهر وی از او طلاق گرفت. وی در توضیح دلیل طلاق گفت که، طرز تفکر وانگاری برای یک زن بسیار قوی است و من قادر به کنترل او نیستم. قاضی بی که پرونده طلاق را بررسی می کرد با نظر همسر وانگاری موافقت کرد و حکم طلاق صادر شد. خانم ماتایی در دوران ریاست جمهوری دانیل اراپ موای، به دلیل درخواست برگزاری انتخابات چند حزبی و پایان دادن به فساد سیاسی و سیاست قبیله ای، بارها مورد حمله قرار گرفت و به زندان افتاد. در سال ۱۹۸۸ تقریباً به تنهایی موفق شد با جلوگیری از ساختن بنای ۶۰ طبقه ای «تایمز میدیا تراست» که به شرکای تجاری رئیس جمهوری تعلق داشت، پارک اهورو (یکی از پارک های طبیعی کشور) را از نابود شدن نجات بدهد. در انتخابات سال ۲۰۰۲، ائتلاف ملی رنگین کمان توانست حزب حاکم، اتحاد ملی آفریقائی، را شکست بدهد و ماتایی از طرف ائتلاف رنگین کمان به نمایندگی مجلس انتخاب شد. او از سال ۲۰۰۳ پست مشاورت وزیر محیط زیست، منابع طبیعی و مراتع را به عهده دارد، و در همان سال حزب سبز آفریقا را تاسیس کرد. در ۲۸ مارس ۲۰۰۵ به عنوان اولین رئیس شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اتحادیه آفریقائی انتخاب شد. یازده رئیس دولت که کشورهای شان بر دهانه کنگو قرار دارد وی را به عنوان سفیر تشریفاتی فعالیت های خیر خواهانه اکوسیستم کنگو، به منظور حفظ این اکوسیستم حیاتی، انتخاب کردند. لیست جوایز بین المللی و مدال های افتخاری که وانگاری تا بحال دریافت کرده است بی شمار است. وانگاری

نشست سران پیمان بازار مشترک جنوب در کوردوبا

در سال های اخیر با توجه به تغییر مشخص در گرایش سیاسی حاکم در آمریکای لاتین و دست بالا گرفتن نیروهای چپ در تعدادی از کشورهای منطقه و از جمله به قدرت رسیدن حزب چپگرایی کارگردد برزیل این پیمان اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. پیوستن ونزوئلا به این پیمان و همچنین دورنمای پیوستن دیگر کشورهای آمریکای جنوبی چون بولیوی در جهت تحکیم و تقویت هر چه بیشتر این پیمان عمل خواهد کرد.

از نظر تشکیلاتی این پیمان دارای دو نهاد سازمانی است:

- 1- شورای بازار مشترک The Council of the Common Market
- 2- گروه بازار مشترک The Common Market Group

شورای بازار مشترک که متشکل از وزیران خارجه و اقتصاد کشورهای عضو است بالاترین نهاد تصمیم گیری و مسئول تنظیم سیاست های کلان این پیمان است. گروه بازار مشترک مسئول امور اجرایی پیمان است.

در پرتو روند گردش به چپ در صحنه سیاسی و اقتصادی آمریکای جنوبی و تقابلی که سیاست های اتخاذ شده در این کشورها با سیاست های نولیبرالی و جهانی سازی مورد پشتیبانی آمریکا پیدا می کند، این پیمان اهمیتی دو چندان پیدا می کند. آمریکای لاتین بعد از آزمایش دو دهه سیاست های نولیبرالی و تجربه نتایج فاجعه بار آن در زندگی مردم، و فشارهای اجتماعی ناشی از آن، شروع به گام برداشتن در مسیری متفاوت با این مدل رشد اقتصادی کرده است. مدل رشد مبتنی بر خصوصی سازی، جذب بی رویه و بی سروسامان سرمایه های خارجی، پایین آوردن شدید سطح

روز ۳۰ تیرماه (۲۱ ژوئیه) امسال شهر کوردوبا Cordoba، در کشور آرژانتین، میزبان سران کشورهای عضو پیمان بازار مشترک جنوب MERCOSUR در سی امین نشست این پیمان بود. علاوه بر اعضای این پیمان، سران کشورهای کوبا، شیلی و بولیوی نیز به عنوان ناظر در این نشست شرکت داشتند. با پیوستن اخیر ونزوئلا به این پیمان تعداد اعضای آن به پنج کشور رسیده است که شامل برزیل، آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه نیز می شود. به گفته ایگناسیو لولا داسیلوا، رئیس جمهوری برزیل، این پیمان یک بازار مصرف دو بیست و پنجاه میلیون نفری با یک تریلیون دلار تولید ناخالص ملی در سال را ایجاد کرده است.

چندین روز قبل از نشست سران، گروه های کاری با شرکت وزیران امور خارجه، اقتصاد و نمایندگان بانک های مرکزی کشورهای عضو تشکیل جلسه دادند تا آخرین اصلاحات را در طرح های تهیه شده انجام دهند و طرح ها را برای امضای سران آماده سازند. در این نشست تجزیه و تحلیل و بحث در مورد موضوع هایی کلیدی از قبیل یکپارچه سازی منطقه ای، برای مثال یکسان سازی گداهای گمرکی، و نیز موافقتنامه مرزهای مشترک و برگماری اعضای دادگاه مدیریت کار Administrative Labor Court در دستور کار قرار داشت. همچنین امضای قراردادهای اقتصادی با کوبا و پاکستان از امور مهمی بودند که در این نشست به آنها پرداخته شد.

پیمان بازار مشترک جنوب روز ۶ فروردین ماه ۱۳۷۰ (۲۶ مارس ۱۹۹۱) بین چهار کشور برزیل، آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه در شهر اسونسیون Asuncion پایتخت پاراگوئه به امضا رسید (به همین علت به پیمان اسونسیون نیز معروف است). طبق این قرارداد، این چهار کشور می بایست تا تاریخ ۱۰ دی ماه سال ۱۳۷۲ (۳۱ دسامبر ۱۹۹۴) روند تشریک بازارهای خود را که شامل موارد زیر می شد به انجام رسانند:

- ۱- حرکت آزاد کالا و خدمات از طریق حذف تعرفه ها و موانع گمرکی بین کشورهای عضو
- ۲- برقراری نظام گمرکی و تعرفه ای مشترک در مبادله های اقتصادی با کشورهای دیگر
- ۳- همسان سازی سیاست های کلان اقتصادی

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق محمود رحیمی ۲۰۰ کرون
جواد از استکهلم ۱۰۰ کرون
الف. فنی ۲۰۰۰ کرون
چمنی آرش ۳۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل» http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 746
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

31 August 2006

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse